

شایان

حاج علی صفر بیگی
بمقدمه
یوسفعلی مشکای

سپهر

[به نام خدا]

نشین
مجموعه رباعی‌های عاشورایی
جلیل صفر بیگی
با مقدمه یوسفعلی میرشکاک

چهارم

طبع پریسا تشکری
صفحه‌آرایی محمدکاظم کاظمی
نوبت چاپ چهارم، بهار ۱۳۹۸
شمارگان ۱۰۰ نسخه
چاپ شید
صحافی باس
شابک ۹-۳۸-۵۹۵۷-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ محفوظ است.

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱-۳۸۶۱۳-۳۲۲۲۲۲۰۴

دیگر مراکز پخش: گسترش: ۰۲۱-۷۷۳۵۱۰۱۶

ققنوس: ۰۲۱-۶۶۴۶۰۰۹۹

چشمه: ۰۲۱-۷۷۷۸۸۵۰۲

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

مجموعه شعر شاعران کهن
که در دوره ساسانی
تأثیر به‌سزای
بر ادبیات پس از آن
گذاشته‌اند
در این کتاب
به بررسی
این آثار پرداخته‌ایم

- سرشناسه صفریسی، جلی، ۱۳۵۲ -
عنوان و پدیدآور شین؛ مجمره رباعی عاشقانی / جلیل صفریسی.
مشخصات نشر مشهد: سپیده، ۱۳۸۱، ۱۱۱ ص.
مشخصات ظاهری ۹۵ ص.
فروست شعر امروز؛ ۲۷.
شابک 9 - 38 - 5957 - 600 - 978
یادداشت فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات پیا.
موضوع شعر فارسی -- قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره PIR ۸۱۳۴
نشانه اثر ۹ ش ۷ ص /
رده دیوبنی ۸ فا ۱ / ۶۲

بیشگفتار

رباعی از روزگار رود که تار و پودار ما، ظرف ظهور
و بروز حوادثی عظیم از حیث معنا در جان صوفیان
و حکیمان و شاعران عارف بود، حوادثی که گویی
جز در چهار مصرع و این وزن شگفتا رخ
می داد و تنها در همین ساحت بود که عظمت خرد را
باز می یافت و برای آیندگان به یادگار می گذاشت.

چون دایره ما ز پوست پوشان توایم

در دایره حلقه به گوشان توایم

گر بنوازی، ز جان، خروشان توایم
 در بنوازی هم از خموشان توایم
 از این گونه رباعی های اعجاب انگیز و جاودانه در
 تاریخ ادب فارسی بسیار می توان یافت که پیش از
 التزام به صورت التزام به معنایی بلند است:

گفتی که در بهر بهر آفر وختی
 در عشق چه حله هست بدوختی
 ای بی خبر از سوختن و سوختن
 عشق آمدنی بود، نه آموختن
 و البته هیچ گاه التزام به صورت آفر فرود می گذارد:
 ای ماه! بر آمدی و تابان گشتی
 گرد فلک خویش خرامان گشتی
 چون دانستی برابر جان گشتی
 ناگاه فرو شدی و پنهان گشتی

هنگامی که ادب فارسی فراگیر شد، رباعی حتی در هجو و هزل و جنگ و سیاست نیز کارایی خود را نشان داد. کوتاه و برنده و با قاطعیتی تردیدناپذیر. هجو و هزل را در این مقام و مقال نمی‌توان یاد کرد و به همین اشاره می‌کنم که رباعی‌های سوزنی سمرقندی در رادی و هزل نمونه‌های مثال‌زدنی این مدعاست. اما حکایت عارضة انوری و رشید وطواط شنیدنی است: هنگامی که سلطان سنجر به سبب عصیان اتسز امیر خوارزم، آن سامان لشکر کشید و قلعه «هزار اسب» را محاصره کرد، انوری که در ملازمت سنجر بود این رباعی را گفت. آن بر تیری نوشتند و به قلعه پرتاب کردند:

ای شاه! همه مُلک جهان حسب تو راست

وز دولت و اقبال جهان کسب تو راست

امروز به یک حمله هزار اسب بگیر
 و با خوارزم و صد هزار اسب تو راست
 رشید این رباعی را در جواب گفت و متقابلاً به
 لسان سلطان سنجر افکند:

ای شاه! چه جاست می صافی است نه دُرد
 اعدای تو را ز نغمه خون باید خورد
 گر خصم تو ای شاه شود درستم گرد
 یک خرز هزار اسب تواند برد

بدیهه‌گویی شاعران همواره اعجاب آور است، اما
 در عرصه رباعی اعجاب بیشتری می‌توان کرد؛ زیرا
 بدیهه‌گویی در این قالب نیازمند توانمندی بیشتری
 است و در این وادی آنچه نظامی عرصه‌ای در
 چهارمقاله یاد کرده است گواه تأثیر رباعی بدیهه‌گویی
 است که در کمال توانمندی بر زبان آمده باشد.

و اما در ساحت شعر آئینی: بیرون از نعت پیامبر اکرم صلوات الله علیه و مدح مولی الموالی، ارواح الاولین و الاخرین لتراب مقدمه الفداء، رباعی چندان نقشی عهد داشته است، زیرا مضامین مذهب اهل بیت علیهم السلام غالباً تفصیلی است و در قالب رباعی که دایرة اجدها بسته است، جای می‌گیرد. ستایش اهل بیت از همان آاز در شعر فارسی، کم و بیش متجلی بود و اندک اندک شأن اهل بیت یافت و به‌ویژه در عصر صفوی وجهی ممتاز به خود گرفت. در دوره سبک بازگشت نیز این شأن تنها به شاعران شمشگیر شعر و شاعری است. با وجود این نمی‌توان ادعا کرد که در هیچ دوره‌ای از ادوار شعر فارسی شاعران در ساحت شعر آئینی وجهی ممتاز داشته باشند. اما این امتیاز با انقلاب و شعر انقلاب به رباعی تعلق گرفت.

مضامین شعر انقلاب و دفاع مقدس با مذهب اهل بیت یگانگی داشت و اندک اندک این یگانگی نه تنها باقی ماند، بلکه توجه برخی شاعران را به خود جلب کرد و سرور دله شغولی عمده آنها در آید.

محدود کردن دایره سرود و سرایش خود به یک قالب خاص، بی‌شک نه مضموم است و نه ممدوح. آنچه این محدودیت را به نماینده‌ی رساند نیروی شاعر در ترسیم مضامینی است که اجزای آنها پیشاپیش در ذهن مخاطب موجود است. به عبارت دیگر انتخاب یک قالب خاص برای بیان مضامین آیینی از حیث نسبت با مخاطب، شبیه به کار مداحی است. مسلماً مداح نمی‌تواند در اجزای حوادث و وقایع تاریخی کربلا دست ببرد و به قصد تأثیر و تصرف در نفس

عقل مخاطب، حوادث را دگرگون کند یا روایتی دیگر
 از آنها ارائه بدهد. پس لاجرم باید برای برانگیختن
 مخاطب، در وجوه دیگری از هنر خود متکی باشد.
 اثری که نمود را در چارچوب قالبی که به هر حال
 از حیرت ظاهر محسوس است محصور می‌کند، باید مدام
 در حال کاوش و جستجو در زوایای دوایر مفهومی
 و عاطفی کربلا و توابع آن باشد تا بتواند مخاطب را
 به دنبال خود بکشاند. تا زمانی که سعی از کارکرد التزام
 اوست و از آنجا که این التزام را خود بر خویش
 تحمیل کرده، ناگزیر است بام تا شام در دوایر لفظی
 و معنوی به دنبال امکانات تازه‌ای باشد که از عهده
 بیان وجه نخست التزام وی برآیند. فراموش نباید
 کرد که قالبهایی همچون رباعی و دوبیتی هر چند در
 جلب مخاطب و تأثیر در عقل و نفس وی به سرعت

عمل می‌کنند، اگر از تناسب تام و تمام در لفظ و معنا برخوردار نباشند، به همان سرعت از یاد می‌روند.

لیل صفریگی سالهاست که به عنوان یکی از رباعی‌سرایان معاصر نام و آوازه‌ای دارد و در ساحت شعر آیینی خود را ملزم به نوآوری می‌داند و بر آن است که شعر شیعی را به‌ویژه در نسبت با ماجرای کربلا، قالب رباعی متحول کند. نفس این التزام گرانبار است و فریاد این که شاعر چه مقدار از عهده آن برآمده یا برخوردار خواهد آمد، ستودنی. مسلماً به فرجام رساندن این التزام دشوار است؛ دشوارتر از حفظ تعادل برای یک بندباز بر روی سندان باریک و دراز بر فراز دره‌ای ژرف.

از دست امثال من جز دعا و آرزو، حرفی
برای این‌گونه شاعران کاری بر نمی‌آید. میزان مواعظ

آنها را مخاطبان معلوم می‌کنند. البته کار این‌گونه
الترامها، دشوار هیچ‌گاه به پایان نمی‌رسد و شاعرانی
چون حلیل صفریگی جز این که تا واپسین لحظه
همه بی‌این جهانی خویش بکوشند با دشواریهای
التزام نبرد دست و پنجه نرم کنند، راهی ندارند؛ مگر
این که التزام نبرد با فراموشی بسپارند یا این که
به چشم‌اندازی سیر روی بپاهند.

۱۰۵ سفلی میرشکای

۱۳۹۱